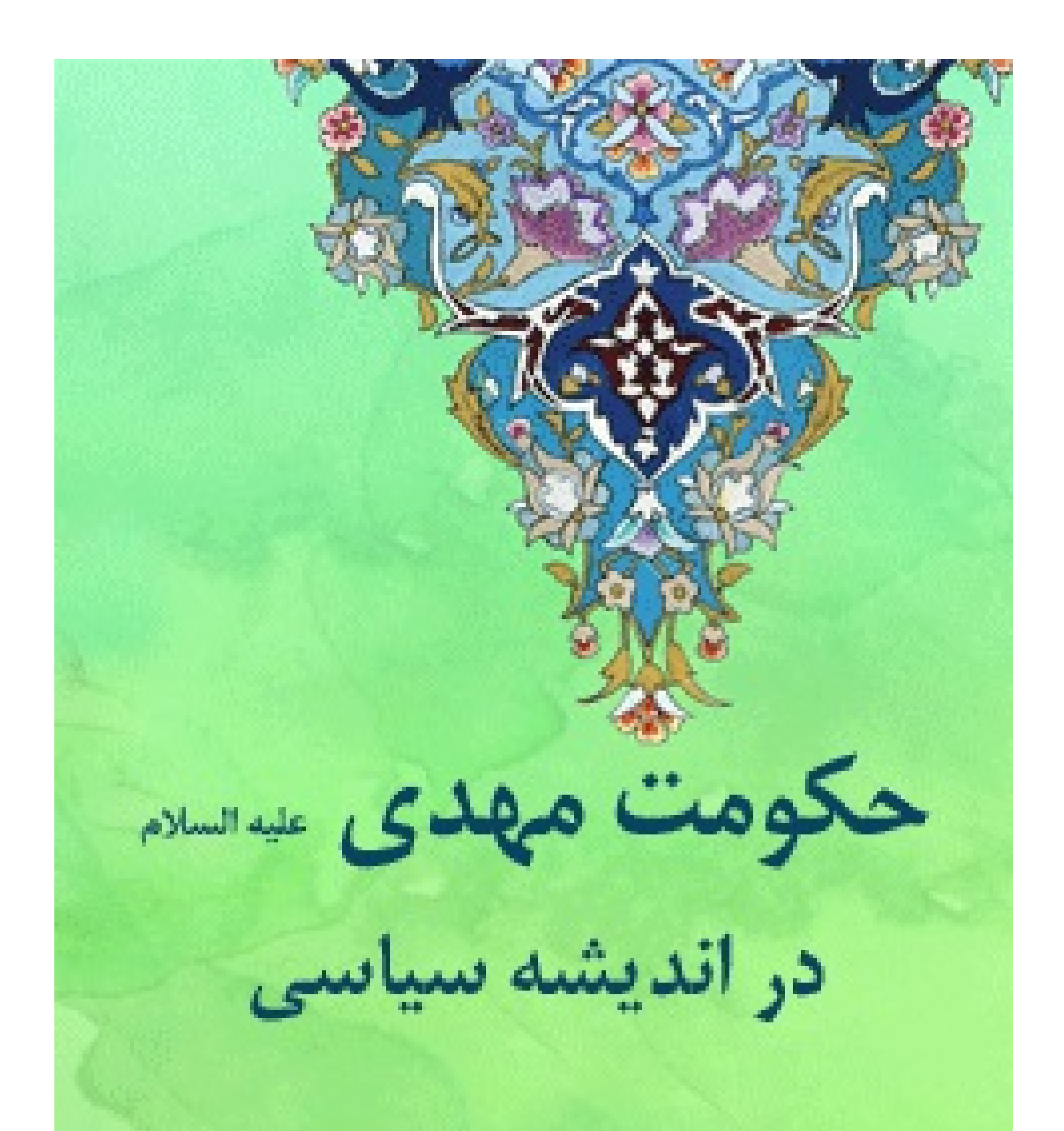


حکومت مهدی علیه السلام در اندیشه سیاسی

سید جعفر کشفی دارابی


بسم الله الرحمن الرحیم

حکومت مهدی در اندیشه سیاسی

نویسنده:

سید جعفر کشفی دارابی

ناشر چاپی:

آینده روشن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حکومت مهدی در اندیشه سیاسی

مشخصات کتاب

نویسنده:سید جعفر کشفی دارابی
ناشر: موسسه آینده روشن

مقدمه

این مقاله بـدلیل گسترد گی برخی از مباحث، توسط کمیته ی علمی اجلاس تلخیص شـده است.سید جعفر کشفی دارابی از اندک عالمانی است که از دیدگاه فلسفه، کلام و فقه به بحث و بررسـی در قلمرو سیاست پرداخته و در ضـمن آثار متعـددی که از خود بجای گذاشته موضوع حکومت را در یک نگرش جامع تصویر کرده است. این عالم بزرگ که ژرف کاوی های او ناشناخته مانده در سال ۱۱۹۱ هجری قمری در خانواده ای روحانی در بخش اصطهبانات از توابع فارس دیده به جهان گشوده و در سال ۱۲۶۷ هجری قمری در بروجرد بدرود حیات گفته است.در سال های اخیر که نوشته های وی از دیدگاه سیاسی مورد توجّه پژوهش گران غربی و محققان داخلی قرار گرفته دربـاره ی نظریه های وی کم و بیش تحقیقاتی انجام شـده است.آن چه نگارنـده عرضه می کند در وهله ی نخست مرهون پژوهش هـای گسترده و عمیق چنـد ساله ی نویسـنده ی جوان و دانشـمند «عبـدالوهاب فراتی» است و آن گاه مطالعات و بررسی های شخصی.

حکومت مهدی در اندیشه سیاسی

سید جعفر کشفیفراتی در مقدمه ی کتاب «اندیشه سیاسی سید جعفر کشفی» می نویسد: «کشفی مجموعه ای از نگرش ها و گرایش های فلسفی، عرفانی، کلامی را در ذیل یک نگرش جامع یعنی گشت و بازگشت عقل و مواجهه آن با جهل دارد، در واقع او جهان را آمیخته ای از عقـل و جهـل می دانـد و در تلاـش است تـا جـامعه، تاریـخ و انواع دولت را بر اسـاس آن دو تبیین کنـد، دولت در اندیشه او یا حق است یا باطل. دولت حق یا مدینه الهیّه تنها در زمانی میسّر است که حضور عقل یا روح محمّدی ممکن باشد. چنین امکانی نیز در دو مقطع از تاریخ بشـر رخ داده یا می دهد: اوّلین مقطع به عصـر نبوت اختصاص دارد که در این دوران رویه ظاهری عقـل در لبـاس شـریعت هویـدا شـده است. در دوّمین مقطع که رویه باطنی عقل عیان می گردد و به عصـر ولایت شـهرت می یابـد، آخرین ولیّ خداوند حضـرت مهدی (عج) ظهور می کند و تشـکیل دولت حقّه ثانیه می دهد.در فاصله این دو مقطع، دولت آرمانی کشفی به دولتی انحصار می یابد که زعیم اش با عقل کل در ارتباط و همانند منصب امامت، واجد دو رکن علم و سیف باشد.» [۱] .کشـفی در دو کتـاب «میزان الملوک» و «تحفـهٔ الملوک» دربـاره ی نوع حکومـتی که در زمـان غیبت صـلاحیت اداره ی جـامعه را داراست و به مبحث ولاـیت فقیه مربوط می شود، بطور مبسوط بحث کرده و هر دو کتـاب، تحقیق و احیـا شـده است، در این دو اثر تحلیـل جامعی از نظریه های کشـفی در موضوع حکومت در عصـر غیبت ارائه شـده که فعلاً از مبحث ما خارج است.آن چه در این نوشـته مورد نظر است نقل دیدگاه های کشفی درباره ی دو نوع حکومت الهی در آغاز و پایان عصر رسالت و امامت، و کند و کاو در چگونگی عصر امامت است.

ضرورت حکومت دینی

اینک با نقل گفتار «سیّد کشفی» به ترسیم دو نوع حکومت در عصر رسالت و ظهور حضرت مهدی (عج) می پردازیم:وی می گوید: «مردمان و بنی نوع انسان، در آرای خود متفاوت و در عقول متفاوت می باشند و دواعی افعال و غایات حرکات ایشان در غایت اختلاف است و از برای هر یک از آن ها در افعال و حرکات خود، مقصدی و غایتی غیر از مقصد و غایت دیگری می باشد، پس اگر آن ها به مقتضای طبایع و مقاصد خود واگذارده شوند هر آینه یکدیگر را مثل سباع برّ و ماهیان بحر می درند و به افساد و افنای یکدیگر مشغول می شوند و عالم را هرج و مرج و نظام را مختل می گردانند، پس بالضروره، نوعی از تدبیر می باید که بواسطه آن، هر یکی را در منزلتی که مستحق آن است وا دارد و قانع گرداند و به حق خویش راضی سازد و دست تعدّی و تصرّف او را در حقوق و مراتب دیگران کوتاه کند و به شغلی که مناسب او است و از اسباب معاونت امور معیشت و معاد و دین یکدیگر است، مشغول دارد. و این نوع از تدبیر، همان سیاست مدن است». [۲] .«کشفی» اصرار بر آن دارد که جامعه ی بی دولت، دنیا و آخرت آدمیان را تخریب می کند و بنیان زندگی جمعی را درهم می ریزد. دلیل وی بر این مدّعا، علاوه بر «بداهت عقل» مشاهدات تجربی بشر و استنادهای نقلی از دین است.وی پس از نقل آیات و روایات متعدد چنین نتیجه می گیرد: «از مضامین این آیات و احادیث و امثال آن ها علاوه بر مشاهده و تجربه بر تو معلوم می شود که نظام امر معیشت و معاد بنی نوع انسان و بقا و انتظام مدن و شهرها بدون سلطنت سلطان قاهرونظر و تدبیر سایس مدبّر، که ایشان را بر وفق آثار عقل و نور حکمت اتّفاق و ائتلاف دهد، منتظم نمی گردد و معموری در روی زمین حاصل نمی شود». [۳] .اگر کشفی فلسفه و نوع نگرش خود را در برپایی نظام های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی بر عقل استوار می سازد، بر این مبناست که وی با ژرف نگری ویژه ی خود موضوع «خرد»، «خردمندی»، «تعالی» و «افول» آن را در پرتو نصوص دینی بخوبی دریافته است.«فراتی» نوع برداشت کشفی را در بخش سوم جهان بینی او تحت عنوان «فلسفه ی تاریخ» در عین اختصار بخوبی و شیرینی چنین شرح می دهد:اعصار گشت و بازگشت عقل، دوره های تاریخ بشر را تشکیل می دهند، این تاریخ با روی آوری عقل به محل تکوّن بنی آدم که با هبوط حضرت آدم (علیه السلام) هم زمان است، آغاز و با اوج و ظهور عقل و در آخرالزّمان (در عصر حکومت حضرت مهدی (عج)) به فرجام می رسد. در واقع، عقل به علّت تعلّق خاطری که خدا در خلقت اوّلین به او ارزانی داشت، چیزی است که به عنوان موتور محرّکه، تاریخ را شروع و به پایان می برد. هر چند این عقل در فرآیند تاریخ، همواره میدان دار حوادث و رخدادهای جامعه ی انسانی نبوده و در بسیاری از موارد و حوادث، مغلوب جهل شده است، امّا در نهایت او پیروز است و در فرجام دنیا به اوج خود می رسد.

ادوار حکومت

اقبال و ادبار عقل و جهل در حدیث یکم و چهاردهم در کتاب «کافی» با تأویلی که کشفی ارائه می کند موجب تقسیم تاریخ به دو دوره ی کلّی می گردد:الف) عصر نبوتب) عصر ولایتالف) عصر نبوتدر این دوره وجهه ی ظاهری عقل به آدمیان روی آورده و با آمدن رسول دیگری تکمیل می شد. این تلاش در کنار هدف بعثت انبیا، که در بخش عمده ای از تاریخ بشر وجود داشته، در زمان آخرین فرستاده ی الهی به سبب وجود مبارک آن حضرت و تمامیّت استعداد او به آخرین نهایت و رشد و کمال خود رسیده است. در این جا حادثه ی مهمّی که رخ داده، این است که تمام رویه ی ظاهریِ عقل، با آمدن آخرین پیامبر الهی (صلی الله علیه وآله) ابلاغ گردیده و حجّت خدا بر آدمیان تمام شده است و به فرمان الهی آخرین مرحله ی تبلیغ که اکمال دین و اتمام نعمت است با نصب امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به امامت، به مردمان ابلاغ می گردد، و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) تلویحاً پایان عمر شریف خود را خبر می دهد. [۴] .مفروض کشفی در این جا این است که بیان وجهه ی ظاهری عقل در لباس شریعت به سر حد کمال رسیده و حجّت خدا بر آدمیان در دوره ی آخرین رسولش، تمام شده است، و پس از رحلت حضرتش بار دیگر جهل رو به تزاید و فزونی می نهد و جامعه را جنود جهل اندک اندک به تصرّف درمی آورد.پس از رحلت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله)

نصب امامان معصوم، همانند نصب پیامبران الهی، به عنوان سر سلسله ی عاقلان، بر خدا واجب است و حضور آنان در میان آدمیان ضروری، با این تفاوت که بر اینان امین وحی نزول نمی کند و مکلّف به تکلیف جداگانه ای نیستند. به عقیده ی کشفی امامان عین عقلند و پس از پیامبر (صلی الله علیه وآله) ریاست سلسله ی عاقلان را برعهده دارند و بدین علّت نیز باید خلافت مسلمانان به ایشان واگذار شود، و این واگذاری باید از سوی مردم باشد نه این که ایشان در پی مردم بروند:«و از این جاست که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در وصیّت خود به امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: یا علی! مَثَل تو مَثَل بیت الله است و مردمان باید که به سوی تو بیایند و نباید که تو به سوی مردمان بروی». [۵] .اگر مردمان به وظیفه ی خود عمل می کردند شکوفایی و رشد متوقف نمی شد، امّا نمایندگان طبقه ی «جهل»، در سقیفه ی بنی ساعده بر «عقل» جامعه ی مدینه ی الهی پا نهادند و حقّ آنان را غصب کردند، این است که اکمال عقل در جامعه به دست جنود جهل رو به نقصان و ضعف گذاشت. در دوره ی غیبت مشکل جامعه ی انسانی بیشتر شده است، زیرا در این دوره نمایندگان اصلی عقل، در میان جامعه حضور ندارند و رویه ی ظاهری جهل که پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله) به این سو قوّت گرفته بتدریج در تمامی حوادث اجتماعی آدمیان حضور فعّال یافته است و در این مقطع طولانی خلط عقل و جهل پیوسته وجود دارد تا به اذن الهی عصر ولایت حضرت مهدی (علیه السلام) آغاز گردد.ب) عصر ولایتعقل که از زمان توجه اش به عالم تکوّن بنی آدم، به علت محصور شدنش در حصار ظاهر و نیز در آمیختگی اش با جهل، نتوانسته بود جوهر و ماهیّت خویش را عیان سازد، از این دوران به بعد، فرصت می یابد تا با فرمان دوّم پروردگار، به سوی حقّ برگردد و باطنش را بر همه ی آشکار سازد، با وجود چنین پیش آمدی است که تمایز ماهوی میان عقل و جهل به وجود می آید و تقابل عینی عقل و جهل به اوج می رسد. دیگر در عصر ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) خلطه ای میان اهل عقل و اهل جهل نیست زیرا وصف هر یک از آن ها معیّن است. پیکاری که میان این دو صف رخمی دهد با پیروزی عاقلان خاتمه می یابد و عملاً وعده ی الهی در مورد پیروزی آنان به عنوان وارثان زمین تحقّق پیدا می کند. این سرنوشت محتومی است که در پیش روی تاریخ بشر قرار دارد.کشفی در وصف دولت حضرت می فرماید: «بدان که زمان ظهور دولت آن جناب، که زمان ظاهر شدن دولت ثانیه ی حق است زمان ظهور و غلبه ی عقل است از روی باطنِ آن، که مقام ولایت است و به منزله ی روح است از برای روح ظاهری آن، که مقام نبوّت است» [۶] .این دولت که در آخر الزمان، با ظهور حضرت مهدی (عج) برپا می شود، همان مدینه ی فاضله ی شیعیان دوازده امامی است که طیّ آن همه ی بطون عقل هویدا می گردد، ناگفته ی شرع و عقل، گفته می شود و اختلاط طولانی عقل و جهل و درهم آمیختگی گروه عاقلان و جاهلان پایان می یابد و حکومت از آنِ عاقلان و صالحان زمین می گردد.

تمایزات عصر نبوت و عصر ولایت حضرت مهدی

اشاره

ظاهر و باطن عقل، اساسی ترین عنصری است که موجب تفاوت های جدّی بین این دو عصر می شود. این تمایز، که حوزه ی اندیشه و عمل آدمیان را پوشش می دهد در واقع گونه های مختلفی از زندگیِ انسان می آفریند که کمتر کسی بدان توجه کرده است، کشفی درباره ی این وجه تمایز می نویسد: «و از این سبب، فهم و دانش و علم و سایر قوای باطنّیه اهل آن زمان که همگی قوالب و مجالی و مظاهر عقلند و رأس و رئیس قطب ایشان جناب ولایت مآب، حضرت صاحب العصر می باشد، اوّلاً و بالذّات متعلق و مرتبط به باطن و ناشی از حقیقت است و حرکات و سکنات و عبادات ومعاملات و سایر حرکات ظاهریّه و جوارحیّه ایشان که تابع و متفرّع بر قوای باطنّیه است، ظهور و بروز همگی و تمامی آن ها، ایضاً از روی باطن و حقیقت است، به خلاف زمان نبوّت که زمان ظهور عقل است از روی ظاهری آن و مردمان آن زمان، که قوالب و مجالی و مظاهر عقلند ایضاً فهم و دانش و علم و سایر

قوای بـاطنیّه و... اوّلاً و بالـذّات از روی ظاهر و آثار است». [۷] .بـدین علّت، در عصـر نبوّت چون «اوان تبلیغ و اتمام حجّت» است و «اهـل جهـل و عقـل» نیز در اختلاـط بسـر می برنـد، رفتار همه ی آدمیان حمل بر ظاهر می شود و از تفحّص و تجسّـس از کنه عمل جلوگیری می گردد، از این رو در سراسـر عصـر نبوّت، عبادات و معاملات مؤمن و منافق بر یک منوال و منهـج حمل بر صـحّت می شود و تساهـل در امر دین داری به اوج خود می رسـد. این در حـالی است که در عصـر ولایت، حجّت با هر دو چهره اش، تمام می شود و عقل و جهل به طور کامل از هم متمایز می گردند، به همین دلیل هم بنای امر بر تجسّـس، مناقشه و مداقّه گذارده می شود و دوران تساهل به پایان می رسد.ایشان در ادامه می نویسد: «و از این جاست که زمان ولایت را به قیامت صـغری نامیده اند، چون که تمییز و تفرقه که از لوازم معاد و قیامت است فیمابین جنّت و جهنّم و اهل آن ها حاصل شده است و خبیث از طیّب و سجّین از علّیین جـدا گردیـده است، لکن از آن جـا که هنـوز اوضـاع دنیـویّه آن هـا که تغییرات و بقـای تکلیف و مراء و پیری و تولیـد و امثـال آن هاست، باقی و مرتفع نگردیـده است، آن را به صـغری نامیده اند، و قیامت کبری وقتی است که اوضاع دنیویّه مذکوره از موجودات مرتفع گردد و اوضـاع آن هـا بـالکلیّه به اوضاع بقا و راحت کلیّه گردد.» [۸] .کشـفی در تحفهٔ الملوک تفاوت ها و تمایزهای عصـر رسالت و عصر ولایتحضرت مهدی (عج) را در سه محور عقیده، عبادت و معامله بیان می کند:

عقیده

در دوره ی نبوت، معرفت آدمیان به مبـدأ عالم هستی، معرفتی است اجمالی و هر کس به انـدازه ی بهره ای که از عقل برده است به شناخت مرتبه ای از ذات حق موفّق می گردد، مثلاً در این دوره بسـیاری از دین داران از معلول و اثر پی به علّت و مؤثّر می برند، در حالی که در عصـر ولایت، معرفت همه ی دین داران، معرفتی است تفصـیلی و خـدا را به واسـطه ی خودش نه آثارش در می یابنـد: «فهم و عقل مردمان در عصـر نبوّت، در معرفت خداوند اوّلاً مرتبط به آثار صـنع و آیات اوست و صـنع و آیات او را می شناسند، نه خداونـد را که صاحب صـنع و آیات است و از حِکَم و مصالحی که در آن آثار و آیات می بیننـد، ایضاً تصدیق می کنند به این که خداونـد حکیم و عالم و عادل است... این نوع از معرفت، معرفتی است اجمالیّه و ظاهریّه چون که عقل ایشان که آلت معرفت است، از اشـعه ی روی ظـاهری عقـل است، و انبیـا و رسل که بهره ای از روی باطنی آن دارنـد، ایضاً مکلّفنـد که به قـدر حوصـله و طاقت ایشان تکلّم نماینـد تا آن که شیئاً فشـیئاً و بر سبیل تدریـج هر کس از آن ها را که قابل باشـد به عالم باطن برساننـد و او را از اشـعه روی باطنی عقل، صاحب نصیب و ذو سهم گردانند، اما در عصر ولایت [مسأله بر عکس است]... از شناختن صاحب صنع، به وجود و صفات آن منتقل می گردند... این معرفت به دل ایشان رسیده است و لذّت او را چشیده و صاحب میل و محبّت و عشق به خداوند خود گردیده اند».علاوه بر این، در عصـر اوّل، آدمیان از طریق معجزه، رسول بودن پیامبر را تصدیق می کنند در حالی که در عصـر دوّم به قوه تعقل خود پی می یابند که حجت بن الحسن (عج) آخرین پیشوای شـیعیان است و در این تصدیق هم نیازی به وساطت و معجزه ندارند.

عبادت

در دوره ی نبوّت، بسـیاری از دین داران به دلیـل شوق به بهشت یا ترس از جهنّم، خـدا را بنـدگی می کننـد، در حالی که در عصـر ولایت آدمیان خدا را به خاطر عشق و محبّتی که به او دارند می پرسـتند. کشفی در این زمینه می نویسد: «و از این جاست که جناب امیرالمؤمنین (علیه السـلام) که صاحب مقام ولایت بودنـد فرمودنـد که: ما عَبَـدتُکَ خوفاً مِنْ نارِکَ وَ طَمَعاً فی جَنّتِکَ بَلْ وَجَـدْتُکَ أهلاً لِلْعِبادَةِ فَعَبَدْتُکَ... و بعد فرمودند که اهل عبادت خداوند سه قسـمند قسمی که بندگی خداوند می نمایند از جهت خوف، پس عبادت آن مثل عبادت عبید و ممالیک و اسـرا است که از جهت خوف از موالی است نه به جهت محبّت داشـتن به آن ها، و قسـمی

که بندگی می نمایند از جهت طمع، و عبادت آن مثل عبادت أجیر و مزدکاران است که به جهت طمع اجرت است نه محبّت ایضاً. و قسمی که بندگی می نمایند از جهت محبّت و عبادت آن مثل عبادت احرار است. و از این جاست که بعضی از علمایی که اهل عرفانند حکم به بطلان آن دو قسم از عبادت نموده اند، جهت خوف و طمع را، جهت تقرّبی که شرط است در صحّت عبادت ندانسته اند. و لکن اشتباه از آن جا نموده اند که فرق ما بین زمان و تکالیف عصر نبوّت و ما بین زمان و تکالیف عصر ولایت ندانسته اند. پس مادامی که زمان، زمان نبوّت است هر سه قسم از عبادت صحیح است هر چند که اشرف آن ها قسم آخری است و وقتی که زمان ولایت آمد غیر از قسم آخری صحیح نیست و فاسد است لکن در آن وقت کسی که صاحب آن دو نیّت باشد به هم نمی رسد و نیست». [۹] .

معامله

در عصر نبوّت اکثر آدمیان، زندگی را به قصد خوردن و آشامیدن و پوشیدنمی خواهند و در عصر ولایت به قصد زنده ماندن. از این رو، هر نوع داد و ستدی که در دوره ی اوّل رخ می دهد به قصد گذراندن امر معیشت است، در حالی که در دوره ی دوم به منظور اتیان امر و حکمت خدا است.سید در این خصوص می نویسد: «و خلاصه آن است که صاحب مقام نبوّت آن است که مردم را از ظاهر و به وسیله ی شریعت، به باطن و حقیقت می رساند و صاحب مقام ولایت آن است که مردم را بواسطه باطن به ظاهر مشغول می نماید و از این جاست که احکام نبوّت را به اسم شریعت ـ که به معنای راهی است که از آن راه به سوی آب می روند ـ نامیده اند و احکام ولایت را به اسم حقیقت نامیده اند و برزخ ما بین را طریقت نامیده اند و مراد از این سه مرتبه همان مراتب علم الیقین، عین الیقین و حقّ الیقین... و همین سه مرتبه است ایضاً، که آن را علم، عمل و وصول می گویند و در حدیث مشهور نبوی است که: الشریعةُ اَقْوالی و الطَّریقَةُ احوالی و الحقیقةُ رأس مالی» [۱۰] .

نتیجه گیری

در پرتو دیدگاه های کشفی می توان روایت هایی را که از معصومین (علیهم السلام) درباره ی چگونگی حکومت حضرت مهدی (عج) و روش زندگانی مردمان در آن عصر نقل شده است، بهتر معنا کرد و چشم انداز جامعه ای را دید که نظام اداری و سیاسی آن اسباب تربیت و رشد عقلانی افراد را آن چنان فراهم آورده که همگی مطیع و منقاد خرد گشته و اخلاق حمیده جای هوی پرستی و صفات رذیله را در نهاد ایشان گرفته و ظلمت درون به نور حکمت و معرفت بدل شده است. پر واضح است که چنین جامعه ای آرام، امن و مشحون از دادگری و عدالت است و اینان هستند که شایستگی استفاده از نعمت آزادی به معنای درست آن را دارند. زیرا انگیزه ی سبعیّت از میانشانرخت بربسته، بنابراین برای اداره ی آن نیازی به تشکیلات عریض و طویل روزگار که ضرورتاً ابناء دنیا برای کنترل جهالت های آدمیان برپا کرده اند، نیست. در آن حکومت نیروها صرف مصالح حقیقی و پایدار می گردد و از هر چیز و هر کس بر پایه ی حکمت و خرد ناب استفاده می شود و بافت جامعه های انسانی هم چون نظام طبیعی موجودات که مطیع اوامر اراده ی حضرت سبحان است بر منتهای فرزانگی و صلاح گردش می کند.

پاورقی

[۱] فراتی، عبدالوهاب، اندیشه سیاسی سید جعفر کشفی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۸، چاپ اول، ص ۱۱.

[۲] کشفی دارابی، سید جعفر، تحفهٔ الملوک، چاپ سنگی، ج ۲، ص ۱۰۶.

[۳] همان، ص ۱۰۷.

[۴] فراتی، عبدالوهاب، اندیشه سیاسی سید جعفر کشفی، ص ۱۰۷.

[۵] کشفی دارابی، سید جعفر، تحفهٔ الملوک، ج ۱، ص ۴۵.

[۶] همان، ص ۷۸.

[۷] پیشین، ص ۷۹.

[۸] پیشین.

[۹] پیشین، ص ۸۸.

[۱۰] همان، ص ۸۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۰۰۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

